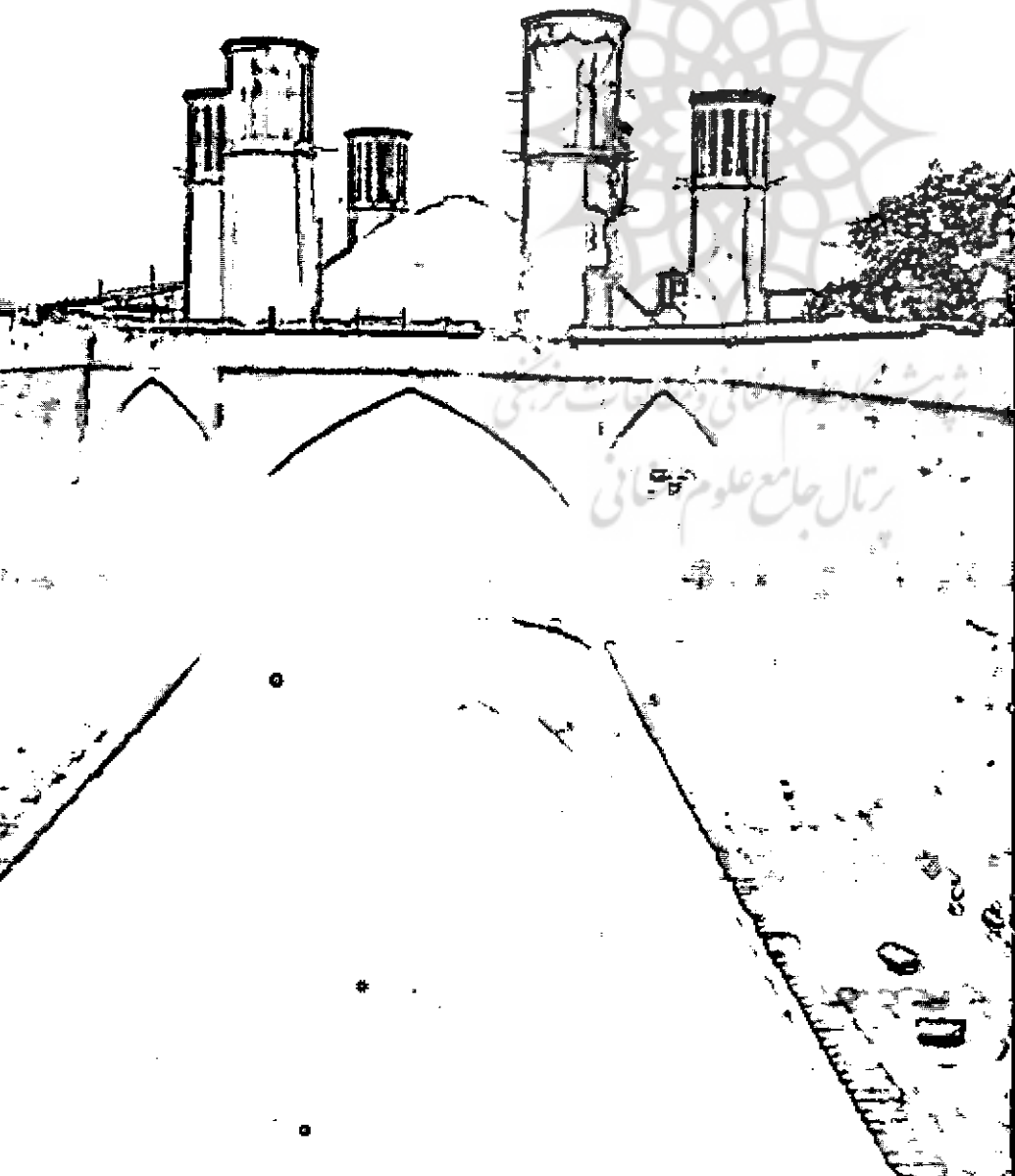


وقف فامه آب انبار شش بادگیری یزد

حسین مسرت

قبل از ورود در بحث لازم به یادآوری است که در شماره ۶۳ مجله وقف، میراث جاویدان صفحه ۶۹ به آب انبار شش بادگیری یزد اشاره‌ای شده بود اینک موضوع با تفصیل و تکمیل تقدیم خوانندگان مجله می‌شود.



الف. شرح و تاریخچه

این بنا از آثار خیر حاج محمدحسین فرزند آقا نورالله ایزدی در محله تل به سال ۱۲۷۹ ق است که بعدها این بخش از محله به دلیل جای داشتن این آب انبار به «شش بادگیری» معروف شده است. آب انبار نامبرده تنها بنای شش بادگیری ایران است که به علت بادگیرهای رفیع، زیبا و هشت وجهی و نیز گنبد عظیم تخم مرغی آن اشتهار یافته است.

بنا دو ورودی با دو راه پله، دو پاشیر، در دو طرف مخزن و تقریباً در امتداد یکدیگر قرار دارد که یکی در جنوب برای مسلمانان با سر در و راه پله و ایستگاه‌های بسیار زیبای آجری طراحی شده و دیگری در بخش شمالی با تزئینات و فضای کمتر، برای زردشتی‌هاست. (برخی علت دو دهانه بودن آن را به واسطه نبود زردشتی در محل، بعید می‌دانند و شاید هم با توجه به شلوغی جمعیت محله و نحوه استقرار در بافت شهری، این مکان را با دو ورودی ساخته‌اند. (اولیاء، نگین کویر، ص ۱۳۰)

راه پله از دو بخش سر باز و سر پوشیده تشکیل شده و سر در آغاز بخش سر پوشیده قرار دارد. ورودی جنوبی که با ۵۵ پله به پا شیر می‌رسد، در جلوی سر در آن و در میانه پله ۲۵ و ۲۶، از بالایک هشتی با کف آجر فرش وجود دارد و هر چند در قسمت روباز سردر ندارد، ولی معمار آن با ایجاد دو فرورفتگی و برآمدگی در جرزهای آن، فضای ایستایی به وجود آورده است. (معماریان، ص ۵۲)

چنانکه شکل و ساخت بادگیرها گواهی می‌دهد، ۳ بادگیر در ابتدا همراه مخزن مدور ساخته شده و ۳ بادگیر دیگر که متفاوت است، با مهارت و زبردستی استادکاران آن استاد غلامرضا و استادعلی سبیه بعداً و در هنگام بازسازی بدان پیوست شده است. (معماریان، ص ۵۴)، (گویا سال ۱۳۷۱ ق).

سازندگان برای بهره‌وری هر چه بهتر از بادهای وزان در یزد، بادگیرها را هشت وجهی ساخته‌اند. ارتفاع مخزن و بادگیرها، معماری زیبای بادگیر، سر درهای زیبا و تزئینات آجری با مقرنس‌کاری و کاربردی‌های چشم‌نواز از امتیازات این بناست.

حسین زمرشیدی ویژگی دیگر آب انبار را بهره‌وری از قوس‌های سهمی در پوشش گنبد مخروطی آب انبار می‌داند که از دوره ایران باستان رواج داشته و تا آن زمان منسوخ نشده بود (زمرشیدی، طاق و قوس، ص ۳۱۵).

ارتفاع مخزن ۱۲/۶ متر و ارتفاع بادگیرها ۱۰ متر است، اما کتیبه ندارد. این مکان هم مانند بسیاری از آب انبارهای شهر یزد، به وسیله آب وقف‌آباد که مهم‌ترین آب جاری در شهر یزد بود، سیراب می‌شده است.

بنا بر مندرجات وقف‌نامه آب انبار که در ذی‌حجه ۱۲۷۹ ق تنظیم شده، واقف آن از عواید املاک، باغات، زمین و آب قنات‌هایی که در یزد و تفت داشته، هزینه‌هایی برای خرید آب، روغن چراغ راهروها، قاری که سه وقت در جلوی آب انبار اذان بگوید و سقایی که آب داخل سقاخانه درب آب انبار بریزد، در نظر گرفته بود.

شهرت و آوازه این بنا نه تنها در ایران بلکه به فراتر از مرزهای ایران رسیده است، چنانکه رناتا هولود



می‌نویسد: «استفاده از بادگیر مخصوصاً در یزد به اوج کمال خود رسیده است. جایی که در آن چندین آب انبار با چهار بادگیر و آب انبار مشهور شش بادگیری با شش بادگیر خودنمایی می‌کند. (دانشنامه ایرانیکا، چاپ آمریکا).

آب انبار شش بادگیری چه به لحاظ زیبایی و استحکام و چه به دلیل بادگیرهای موزون، گاه تصویر آن نمادی از شهر یزد شده است و به قول پژوهشگری: «آب انبار شش بادگیری، تلفیق بسیار جالبی است از آب انبار و بادگیر، دو سبیل عمده در معماری سنتی یزد» (حاجی شعبانی، ص ۵۲)

این بنا به شماره ۱۶۰۰ به تاریخ ۱۳۵۷/۱/۴ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. در سالیان اخیر، برخی از بخش‌های بیرونی بادگیر و مخزن، مرمت و بازسازی شده است، نیز بر فضای پشت بام راه پله جنوبی، حسینیه بنی فاطمه ساخته شده که داربست‌های فلزی آن از زیبایی و اهمیت تاریخی آب انبار کاسته است. و هیأت امنای همین حسینیه، نظارت بر آب انبار را بر عهده دارد.

ب. درباره وقف‌نامه

وقف‌نامه‌ای که ذیلاً مندرجات آن درج می‌شود، جزو چند وقف‌نامه نادری است که درباره آب‌انبار در شهر یزد وجود دارد. فعلاً سه وقف‌نامه مستقل در اداره کل اوقاف یزد وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها مربوط به آب‌انبار شش بادگیری یزد است و بقیه آب‌انبارهای شهر یزد، وقف‌نامه خاصی ندارند و جزو موقوفات کلی هستند که در آن اشاره‌ای هم به این مکان شده است.^۱

اما وقف‌نامه شش بادگیری که فعلاً سه رونوشت از آن در دست است، حاصل اندیشه نیک‌یکی از بازرگانان دهشمندیزد به نام حاجی محمدحسین، فرزند نورالله‌یزدی در ۲۱ ذی‌حجه ۱۲۷۹ ق است. بنا بر نظر واقف که در وقف‌نامه هم آمده، متولی می‌باید:

«از منافع موقوفات در هر چهار سال، یک سواد از وقف نامچه، مثل همین، متولی استکتاب نماید و معتبر ساخته، در نزد امینی بسپارد تا نسخ متعدده در میان باشد و موقوفات از میان نرود». اما روشن نیست که متولیان آب انبار تا چه اندازه پایبند این بند از وقف‌نامه بوده‌اند. زیرا اکنون، تنها سه رونوشت از آن در دست است. در حالی که باید از سال ۱۲۷۹ ق تاکنون ۳۷ رونوشت از این وقف‌نامه در دست باشد.

به هر روی دو نسخه قدیمی از این وقف‌نامه در اداره کل اوقاف یزد به شماره ح ۱/ آرشیو ۴۱ وجود دارد که با لطف آقای محمدجواد عرفان فر، معاون آن اداره و همراهی خانم مریم عظیم، دسترسی بدان حاصل شد و نسخه سوم هم که تاییبی است در اداره کل میراث فرهنگی استان یزد به شماره ۴۳-۱ نگهداری می‌شود که به لطف آقای علی‌اکبر عطاری دسترسی بدان حاصل شد.

متن حاضر بر پایه مقابله سه نسخه موجود فراهم شده که نسخه اول پارچه‌ای است و بنا بر نظر واقف در ذی‌حجه ۱۳۲۹ ق (۵۰ سال بعد از وقف) به تایید علما و رجال وقف رسیده و آن را ممهور نموده‌اند، نسخه دوم تنها رونوشت و ذکر نام سجلات و تاییدکنندگان پیشین و بدون مهر است و نسخه سوم که تاییبی بوده، متن به همراه نام سجلات است و چون پر از غلط‌های تاییبی ناشی از بدخوانی یا کم‌سوادی حروفچین است، از این رو به هنگام مقابله، تنها به ذکر موارد قابل اعتنا با نسخه سوم پرداخته شده و بیشتر، اختلاف دو نسخه اول و دوم مدنظر قرار گرفته است.

از سرکار خانم مریم عظیم، کارشناس اسناد اداره اوقاف یزد که در بازخوانی رونوشت نسخه اول، نگارنده رایاری کرده‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

هو الواقف علی الصّامتر والسّرائر

بسم الله الرحمن الرحيم و منه الاعانة والفوز بما فی جنّات النعیم
الحمد لله الذی وقف علی ما فی ضمائر الابرار و وقفهم
لتحصیل^۲ الذخائر^۱ لدار القرار والصلوة^۳ والسّلم

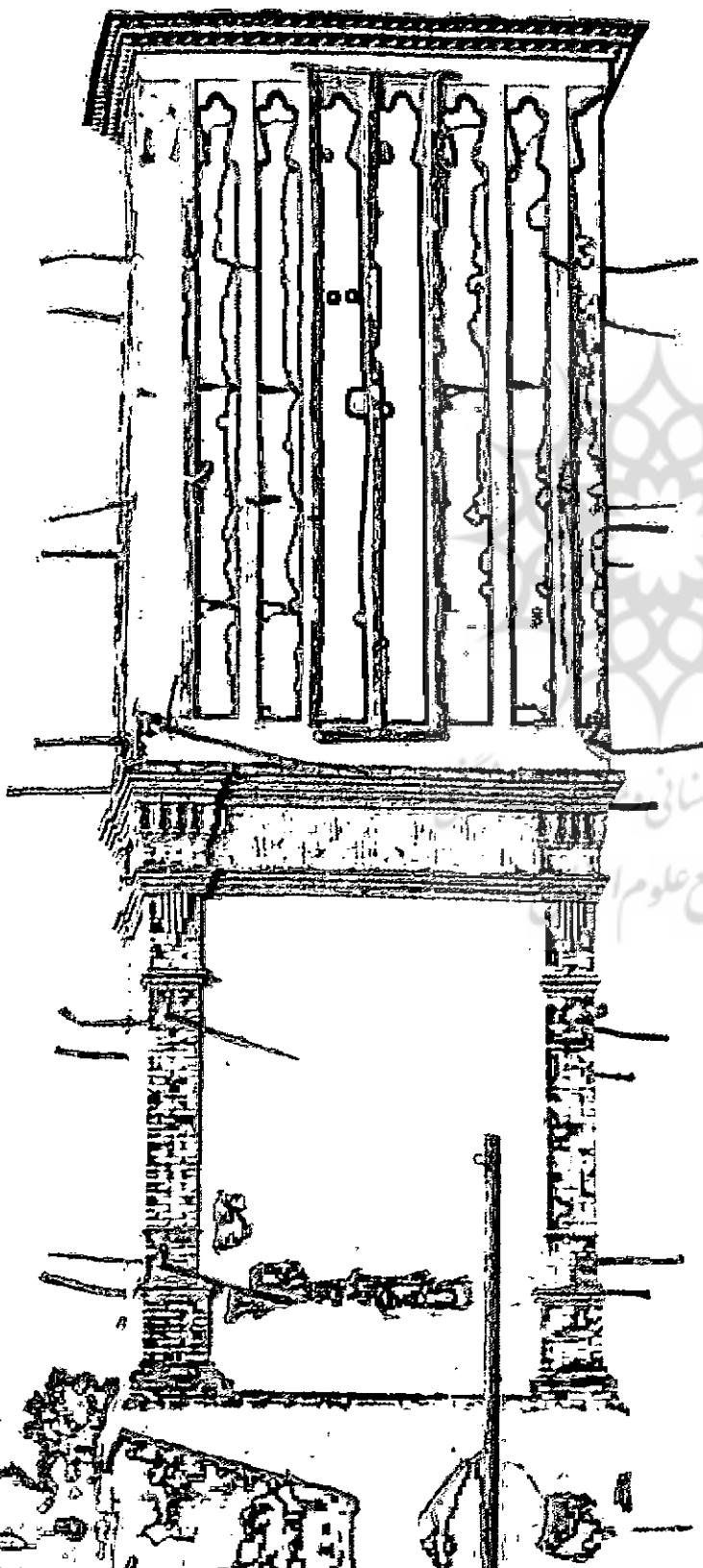
علی سید الابرار محمد و آله و عترته الاطهار عدد
قَطْر الامطار و ورق الاشجار ما اظلم عليه الليل و اشرق
عليه النهار واللعنة على اعدائهم الى دارالبوار

و بعد داعی بر تحریر این حروف شریعت مألوف آنکه دنیای
دون را برای هیچ یک از بنی نوع آدم بقاء و ثباتی نبوده و نمی
باشد و به مصداق «کل نفس ذائقة الموت»، هر ذی روحی،
شریت ناگوار مرگ را چشیدنی است و زیرک و بصیر و دانا کسی
است که به مصداق «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» تهی^۹ سفر آخرت
خود را که باقی است و برگشت ندارد، بگیرد و قبل از آنکه
اجل موعود در رسد^{۱۰}، محاسبه‌ی خود را مفروغ به خیرات و
میراث پرداخته، به مقتضای «الدنیا مزرعة الآخرة» و بر کشتزار
عمل خویش، بذر خیری افشانند، تا در «یوم لا ینفع مال و لا
بنون» به موافق «فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره» محصول آن
را جمع و ضبط نماید و باید در هیچ آن^{۱۱} از آنات، در عمل خیر
تکاهل و تساهل نورزد، خصوص در وقف نمودن اموال که به
مقتضای «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلاث» صدقه
جاریه^{۱۲}، الخ، انقطاعی از برای آن نیست و از سایر اعمال خیر، بهتر
و نفعش زیادت.

بناء علی هذا، مصداق این مثال، شامل حال و کافل احوال،
خیریت مال سعادت اشمثال، عالی حضرت، گرامی منزلت، متعالی
مرتبت، طایف بیت الله الحرام و زائر مرقد ائمه‌ی انام علیهم
سلام الله الملك العلام، خیر الحاج و العمار، حاجی محمدحسین،
خلف مرحوم آقا نورالله، تاجر محله‌ی سرتل، من محلات خارج
دارالعباده‌ی یزد گردید^{۱۳}

به توفیقات حضرت باری و تأییدات ملک^{۱۴} حضرت سبحانی،
وقف مؤبد و حبس مخلد نمود، حاج مزبور «قریة الی الله و طلبا
لمرضاته، جل شأنه»، تمامی اعیانات مرقومه‌ی مفضله‌ی در ذیل را
از منابع و مجاری میاه و املاک و باغات و اراضی و تیمچه و غیره
که هر ساله منافع آنها را بعد از تعمیر و اخراجات ضروریه و عشر
و دیوانی و نفقه‌ی موقوفات مزبورات و اخراج حق التولیة و النظارة،
در مصارف معینه‌ی مشخصه‌ی مرقومه‌ی مفضله‌ی در ذیل، علی
الترتیب المرقوم متولی سیدکر، صرف نماید و نهایت سعی و اهتمام
خود را مرعی دارد و تفصیل اعیان موقوفات بدین نهج است:

همگی و تمامی منابع و مجاری چهل جرّه از جزرات میاه یک
نهری از قنوات اهرستان تفت نصیری، فی هفت نهر و چهار
دانگ^{۱۵} از قرار مدار دوازده روز شبان با کافه‌ی توابع و لواحق آن
بقدرالحصه، سیمتا مجاری^{۱۶} میاه جلی آن بقدرالحصه^{۱۷} و همگی
و تمامی منابع و مجاری نصف طاق از میاه قنوات ثلث ۶ طهره^{۱۸}
و جنت آباد و هادی خانی، به علاوه رشته‌ی رو به کوه که ممزوجا
شرب می‌شود و الآن مشرب آن در محله‌ی کوچه بیوک، من
محلات قریه‌ی اهرستان است، از قرار مدار شانزده روز شبان،



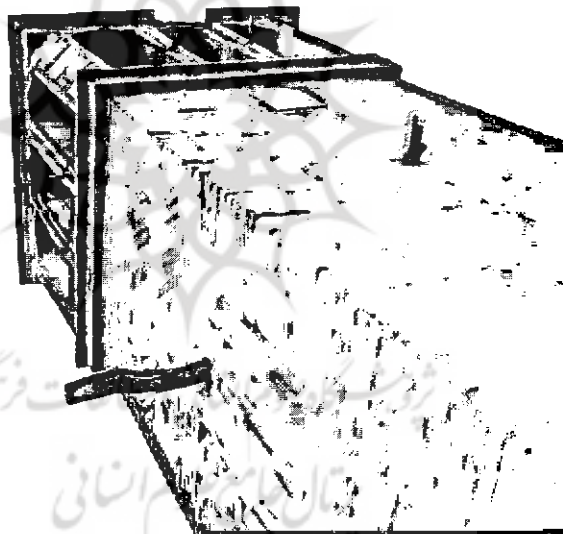
مع جميع توابع و لواحق آن شرعاً و عرفاً و عادتاً سیما راهرو که ممتد است از صحرای فیض آباد پیشکوه، الی کوچه بیوک، بقدر الحصه الشایعه.

و همگی و تمامی منابع و مجاری سه سهم از جمله هفتاد و دو سهم از قنوات مزرعه‌ی معینه‌ی مشخصه‌ی موسومه به مزرعه‌ی مبارکه، واقعه در قرب قصبه‌ی تفت قهستان دارالعباده‌ی یزد، که دو سهم آن مشهور است به سهم علی عسکر خانی، از قرار مدار چهارده روز شبان، «مع توابع و لواحق آن شرعاً و عرفاً و عادتاً کائنا ما کان و بالغاً ما بلغ»، سیما از اضی تابعه آن از صحرایی و حومه و مواتی و عمارات و اشجار و غیر ذلک، «مما ذکر ام لم یذكر سنی ام لم یسم و لاسیما» یک درب باغ معین مشخص مجدر مشجر به اشجار انار و غیره به بسط دو قفیز، تخمیناً محدود به باغ ابوطالب خانی، ملکی [جا] جمشیدی و حدی به باغ عالی‌شان آقا رضای امین‌التجار و حدی به خیابان و به صحرای موات و سیما قدر الحصه از خیابان از سهم دو سهمی علی عسکر خانی، و لا سیما دو قفیز زمین صحرای احیاشده که محدود است به زمین ماندگار^{۱۸} و به زمین اسفندیار مجوسی و به زمین خداداد مجوس و به خیابان، مع توابع، سیما پانزده اصله درخت توت برگی، واقعه در آن و خصوصاً یک درب باغ معین مشخص مشجر البعض، به بسط یک قفیز محدود به باغ حاجی سید حسین و به زمین آقا سید مهدی و به صحرا و به شارع، مع توابع و اللواحق، شرعاً و عرفاً و عادتاً.

و همگی و تمامی هفت سهم از جمله هشت سهم از یک دانگ از جمله شش دانگ از تیمچه‌ی معینه‌ی مشخصه‌ی دایره، واقعه در خلف میدان خان، که مدخل آن در سوق صفاران است و موسوم است به تیمچه‌ی کرمانی‌ها، «مع الملحقات و شرعاً و عرفاً و عادتاً کائنا ما کان و بالغاً ما بلغ» از کلیاس و دالان و حجرات تحتانیه و فوقانیه و انبار و طویله و بهار بند و آبریز و فضا و غیرها از هر یک بقدر الحصه الشایعه، سوای یک

حجره واقعه در دهلیز که موسوم است به حجره‌ی حاجی نور محمد قندهاری و محدود است به تیمچه‌ی مزبوره، به سرای خواجه و مدرسه‌ی شفیعیه و سوق صفاران^{۱۹}.

المقرّر آنکه متولی، سیدکر متوجه اجاره و استیجار موقوفات مزبوره بشود و زیاده از یک سال اجاره دادن و به متغلبه^{۲۰} و نامعتبر، بدون ضامن معتبر، اجاره دادن کلاً منوط است به نظر متولی، سیدکر که به هر نحو که صلاح داند، از قرار معمول، بین البلد، اجاره و استیجار نماید و در جمیع احوال، حفظ موقوفات را کمابینگی بنماید و منافع موقوفات را بعد از اخراجات ضروریه خود موقوفات مزبوره، از تعمیر جزئیاً و کلیاً و دیوانی و عشر و نفقه‌ی حق التولیه و حق النظاره به نحو سیدکر، از آن بیرون نموده، مابقی را اولاً آنچه اخراجات ضروریه داشته باشد، آب‌انباری که خود واقف در محله‌ی سرتل ساخته است؛ صرف آن نماید، از تعمیر و تنظیف و غیر ذلک و بعد از آن از آن منافع آب خریده، در وقت خود در آب انبار مزبور نماید، که مردم از آن منتفع شوند؛ به هر نحو انتفاعی که محتاج باشند و بعد از آن به جهت روشنایی دو راهرو انبار مزبوره، روغن چراغ، آنچه لازم باشد، خریده شود.



آب انبار شش بادگیری
یزد از آثار خیر حاج
محمد حسین فرزند آقا
نورالله یزدی در محله تل
به سال ۱۲۷۹ ق است که
بعدها این بخش از محله به
دلیل جای داشتن این آب
انبار به «شش بادگیری»
معروف شده است. آب
انبار نامبرده تنها بنای
شش بادگیری ایران است
که به علت بادگیرهای
رفیع، زیبا و هشت وجهی
و نیز گنبد عظیم تخم مرغی
آن اشتها یافته است



و بعد از آن، یک قاری که هر یوم، پنج جزو قرآن تلاوت نماید؛ قربه الی الله و درب همان انبار در سه وقت اذان بگوید، قربه الی الله، متولی، سیدکر اجرت بدهد او را که آب در سقاخانه‌ی درب انبار مزبور بریزد که مؤمنین و مسلمین از آن بیاشامند و سقاخانه بی آب نماند که مردم تشنه بمانند و اگر از اولاد واقف یا صله‌ی رحم واقف، فقیر باشند و صلاحیت از برای سقایی سقاخانه‌ی مزبوره داشته باشند، متولی ایشان را مقدم بر غیر دارد و بر فرض تعدد، هر کس از ایشان که متولی، صلاح داند، عمل نماید؛ لکن اولاد را مقدم بر صله‌ی رحم دارد؛ بر فرض صلاحیت، لکن اگر خودشان خواسته باشند، سقایی بکنند و آنچه از این مصارف زائد آید، متولی به فقرای از اولاد واقف برساند؛ لکن، تقسیم بر کل لازم نیست؛ منوط به استصواب متولی است ولو صلاح در یک نفر از ایشان داند و اگر اولاد واقف، فقیری نباشد، یا باشد، لکن سهل الوصول نباشد، به فقرای از صله‌رحم واقف برسانند و در آنجا نیز تقسیم لازم نیست، بلکه منوط به نظر متولی است. به نحو مزبور و اگر از صله رحم فقیری نباشد یا سهل الوصول نباشد، بر فرض وجود به فقرای محله‌ی سرتل برسانند؛ لکن این هم تقسیم بر کل لازم نیست، بلکه منوط به نظر متولی است.

و واقف مزبور، تولیت را مادام الحیات با خود قرارداد نمود و بعد از حیات خویش، مفوض نمود به اعلم و اصلح و ارشد از اولاد ذکور خود، به شرط توطن و سکونش در بلده‌ی یزد و توابع آن، نه در خارج از آنها و مراد از صفات متقدمه‌ی متولی، از اعلمیه و اصلحیه و ارشدیه^{۱۱} این است که اهتمام به صرف منافع، در مصارف داشته باشد و در جمیع طبقه‌ی اولاد ذکور، به نحو مذکور و موصوف مقدم است و از اولاد ذکور اگر ذکور موصوف نباشد؛ لکن ذکور موصوف از اولاد اناث بوده باشد؛ مفوض به آن ذکور موصوف از اولاد اناث واقف است و اگر ذکور موصوف نباشد؛ نه از اولاد ذکور واقف و نه از اولاد اناث واقف، اناث از اولاد واقف، مقدم است و تولیت مفوض به او است، با صلاحیت تولیت، به نحو مزبور با اینکه صرف نماید و متوطن در

بلده یا توابع آن باشد. خلاصه، تولیت بعد از واقف مفوض است به ذکور از اولاد واقف، نسلاً بعد نسل، با ملاحظه‌ی الاقرب فالاقرب و شرط توطن و سکون در بلده و توابع آن و بعد، مفوض به صاحب صفات مزبوره، از اهل محله‌ی سرتل است، که امام مسجد، تعیین نماید و بعد از واقف، نظارت در جمیع طبقات با امام مسجد است؛ یعنی، مسجد محله‌ی مزبوره و خود واقف را ناظری نیست.

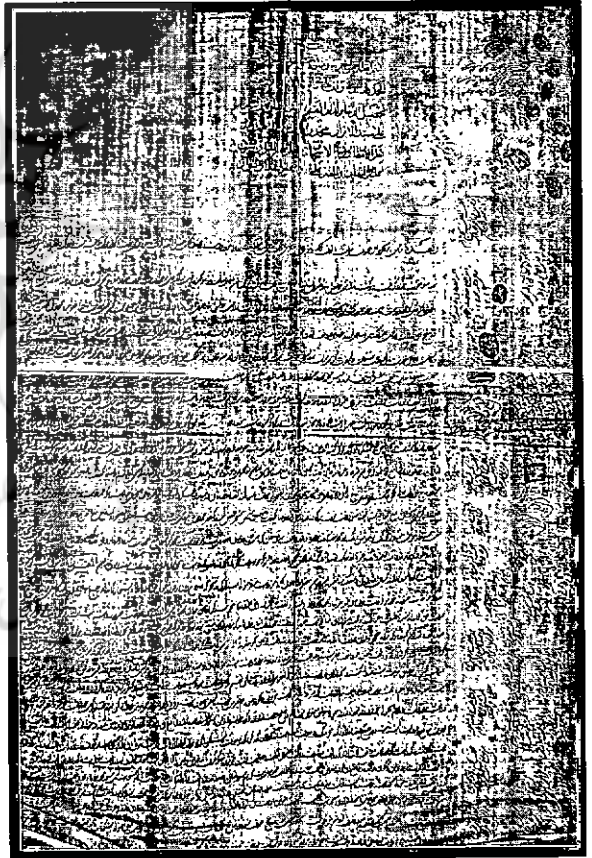
و اگر در طبقه‌ی اولاد واقف، فی ائی طبقه، متولی به حد رشد نرسیده باشد؛ تولیت مفوض است به جناب مستطاب علام فہام، عمده المحققین و زبده المدققین، سرکار آخوند ملا علی اکبر نحوی^{۱۲}، خلف مرحمت مآب، استاد کریم و عالی حضرت، گرامی منزلت، سعادت مرتبت آقا محمد تقی بن آقا عبدالکریم و بعد از ایشان، باعدل از اهل محله‌ی سرتل، تا متولی از اولاد به حد رشد رسد؛ آن وقت، مفوض به اوست و حق التولیه و النظاره بعد از اخراجات ضروری‌ی موقوفات از تعمیر و عشر و دیوانی و نفقه و غیر ذلک، عشر و ربع عشر است از منافع که عشر را متولی بردارد و ربع عشر را ناظر و وصول کل منافع در صورت نمودن شرط نیست؛ آنچه وصول شود، به تدریج صرف شود و از منافع موقوفات در هر چهار سال، یک سواد از وقفنامه‌ی مثل همین، متولی استکتاب



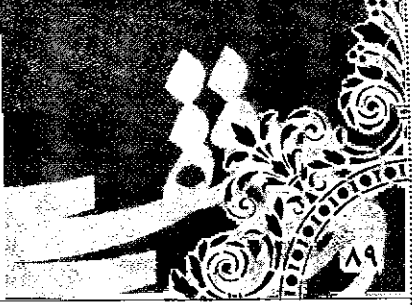
نماید و معتبر ساخته، در نزد ائمه بسپارد تا نسخ متعدده در میان باشد و موقوفات از میان نرود و صیغه وقف به نهج مرقوم مزبور^{۲۲}، صحیحاً واقع ساخت، واقف مزبور و موقوفات را کلاً به تصرف وقف داد.

تصرفاً، صحیحاً، شرعاً، «فمن بدله بعد ما سمعه، فانما ائمه علی الذین یدلونہ ان الله سمیع علیم» و کان وقوع، ذلك فی اللیلة الحادیة^{۲۳} والعشرین، من^{۲۵} ذی الحجّه سنه ۱۲۷۹ ق. // سواد مطابق اصل است، الاقل ابوالقاسم ابن مرحوم استاد حاجی حسین بنآء ۲۲ حج ۱۳۲۹، مهر عبده ابوالقاسم، اعترف بجمیع ما رقم فیہ الاقل الحاج ابن خیر الحاج حاجی ملا محمدحسن، محل مهر سجعہ محمدعلی، اعترف الواقف بما رقم فیہ لدى، الحاجی ابن مرحمت شأن، حاجی محمدابراهیم، محل مهر سجعہ محمدمهدی، اعترف الواقف بجمیع ما رقم فی المتن، سیما اجراء الصیغه والتصرف، اقل الحاج و احقر عباده، محمدحسن بن فخر الحاج حاجی محراب، مهر مفقود است، سواد مطابق اصل است، عبدالحسین ابن مرحوم استاد محمدتقی محله تلی، ۲۲ حج ۱۳۲۹، مهر محمدتقی ابن محمدالحسین، سواد مطابق اصل است، حرره اقل الحاج حاجی کاظم، خلف صدق خیر الحاج حاجی ملاح محله تلی، به تاریخ ۲۳ حج ۱۳۲۹، مهر ابن ۱۱۸، اعترف الواقف بما رقم فیہ لدى، اقل الحاج ابن مرحوم استاد زین العابدین، // اعترف الواقف بما رقم فیہ لدى، ابن مرحوم آقارمضان، محل مهر سجعہ

م ح د م ه د ی، مطابق اصل، اقل الحاج ابن اشرف الحاج حاجی محمدحسن، سجعہ حسین منی و انا من حسین، اعترف الوقف بمراتب المرقومه، حرر ابن مرحمت شأن، حاجی محمدحسن عطار، محل مهر سجعہ، ابن محمدحسین علی اصغر، سواد مطابق اصل است، الاقل الحاج ملا حسن ابن مرحوم استاد عباس محله تلی، ۲۲ حج ۱۳۲۹، مهر ناخوانا، اعترف بجمیع ما رقم فیہ، الاقل الحاج ابن خیر الحاج حاجی ملا محمدحسن، سجعہ محمدعلی، اعترف الواقف بما رقم فی لدى، بن الحاج ابن مرحوم آقا عبدالکریم، سجعہ رمضان، اعترف الواقف بما رقم فیہ لدى، ابن مرحوم آقا عبدالکریم رمضان، سواد مطابق اصل است، العبد المذنب، الحسین ابن مرحوم استاد باقر محله تلی، ۲۲ حج ۱۳۲۹، مهر حسین منی و انا من حسین، اعترف الواقف بما رقم المتن، الحاج ابن مرحمت شأن خیر الحاج حاجی علی محمد، سجعہ حسین منی و انا من حسین اعترف الواقف بما رقم فیہ، ابن مرحوم امحمد رحیم، سواد مطابق اصل است، اقل الحاج محمدرضا، اعترف بما رقم فیہ لدى، سجعہ عبده الراضی علی اکبر، اعترف بما رقم فیہ لدى، ابن مرحوم حاجی علی محمد، حررها محل دو مهر کوچک محمدباقر، اعترف بما رقم فیہ لدى، الاقل الحاج ابن مرحوم حاجی محمد، سجعہ رمضان، اعترف الواقف بما رقم فیہ لدى، ابن خیر الحاج حاجی رمضان تاجر یزدی، محل مهر غلامرضا، اعترف بجمیع ما رقم فیہ لدى، العبد الاقل الحاج محمدعلی ابن مرحمت شأن استاد اسماعیل الخراسانی، السواد مطابق الاصله، حررها اقل الحاج ابن مرحوم حاجی رجب محله تلی، ۲۲ حج ۱۳۲۹، مهر غلامرضا، السواد مطابق الاصل // حررها الاقل السادات، سید علی اصغر، ولد الصدق جناب مستطاب آقای آقاسید حسین بافقی، تحریراً فی یوم پنج شنبه بیست و دوم شهر ذی الحجّه الحرام، من شهور سنه ۱۳۲۹، الراجی علی الحسینی و کذا الاخر لدى، حرره اعترف الواقف بجمیع ما رقم فیہ عندی، حررها محل مهر ملا علی اکبر استاد کریم نحوی، سواد مطابق



لاصله، الاحقر العباد، فی ۱۸ حجّه ۱۳۴۰، مهر ناخوانا، مطابق لاصله حرره مهر عبده المحمد شریف، مهر ناخوانا، ذا و اصله شعبان، حرره مهر محمد ابن یحیی موسوی و مهر الشریف علی مطابق الاصل، حرره محمد بن مرحمت شأن، حاجی غلامعلی رحمه الله، فی ۲۲ ذی الحجّه ۱۳۲۹، مهر ناخوانا، السواد مطابق الاصل، حررها الاقل السادات، سید حسین امام، راتب مسجد محله تل، ولد مرحمتشأن حاجی سید احمد بافقی، فی ۲۲ ذی الحجّه الحرام سنه ۱۳۲۹، مهر حسین الحسینی، مطابق الاصله، حررها مهر الراجی، یحیی موسوی، ایضا مهر ناخوانا، سواد مطابق است، الاول عبادالله، مهر عبده الراجی، احمد طباطبائی، محل خاتم شریف آقاشیخ محمدتقی، زید مجده العالی، محل خاتم شریف حجّه الاسلام آقای آقاسید یحیی مجتهد، دام ظلّه العالی، محل خاتم شریف آقا



آقاسید احمد ابن مرحمت شأن آقاسید محمدابن آقاسید مرتضی، اعلی الله مقامه، محل خاتم شریف حاجی میرزا علی، خلف مرحمت شأن خلد قرار آقامیرزا محمدجعفر مجتهد، اعلی الله مقامه، محل خاتم شریف آقاسید محمد، خلف الصدق جناب آقا سید یحیی مجتهد، دام ظلّه العالی، محل خاتم آقای آقاسید جواد، خلف الصدق جناب خیرالحاج الاسلام آقای آقا سید یحیی مجتهد

مآخذ

- آگاهی نامه، ش ۳۳ (۱۳۵۷)، ص ۱۱.
- اولیاء، محمدرضا: «هنر و معماری سنتی یزد» در کتاب یزد نگین کویر، یزد: استانداری یزد، ۱۳۷۵: ص ۱۳۰.
- تقی، مرتضی: معرفی برخی ابنیه آبی استان یزد، شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد، موزه آب، ۱۳۸۱: ص ۵.
- عابدینی، حسین: آب انبار، پژوهش درس معماری و هنر اسلامی (۲)، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد، سی تا، ص ۴۰.
- معاریان، غلامحسین: سیری در معماری آب انبارهای یزد، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۲: ص ۳۸، ۴۷، ۴۹، ۵۲، ۵۶.
- ملازاده، کاظم و دیگران: دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران، دوران اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۴: ص ۲۴۶.
- ملک ثابت، محمد حسن و محمد حسین نجفی: یادگار، یزد: سازمان میراث فرهنگی استان یزد، ۱۳۷۷-۳۷: ۳۸.
- هولود، رناتا: «آب انبار» دانشنامه ایرانیکا چاپ آمریکا. (به زبان انگلیسی)
- پژوهش میدانی و مصاحبه با اهالی محل.

پی نوشت:

۱. علی لغوی، بانی آن را حسین میرالله و به تاریخ ۱۳۷۹ق آورده که اشتباه است. (اینجا یزد، ص ۳۵)
۲. بنگرید: عرفان فر، محمد جواد فهرست اسناد موقوفات ایران، یزد اداره اوقاف و امور خیریه استان یزد، انتشارات عرشیان، ۱۳۸۷، ج ۲.
۳. نسخه ۳ و ۴: واقف هم التحصیل.
۴. نسخه ۲: لذخاثر.
۵. نسخه ۳ و ۴: والصلو.
۶. نسخه ۳ و ۴: آدمی.
۷. نسخه ۳: تحلیه.
۸. نسخه ۲: در رسد، ندارد.
۹. نسخه ۲: آبی.
۱۰. نسخه ۱: بن.
۱۱. نسخه ۲: ثلاث.
۱۲. نسخه ۱: گردید.
۱۳. نسخه ۲: ملک، ندارد.
۱۴. نسخه ۳ و ۴: همه جا: «دنگ».
۱۵. نسخه ۱: مجاری، ندارد.
۱۶. نسخه ۲ این جمله را ندارد: «سیمامیاه جبل آن بقدر الحصّه».
۱۷. نسخه ۲ چاپجاشده و جمله ذیل ش ۹ را اینجا آورده است.
۱۸. نسخه ۳ و ۴: مندگار.
۱۹. نسخه ۳: صفاریان.
۲۰. نسخه ۳: متغلیه.
۲۱. نسخه ۲: اعلمیت و اصلحیت و ارشدیت.
۲۲. نسخه ۳: نجوا.
۲۳. نسخه ۲: مزبور مرقوم.
۲۴. نسخه ۲: الحادی: نسخه ۳: الثانیه.
۲۵. نسخه ۳: شهر ذی الحجّه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی